

نیازهای مادی انسان از نگاه قرآن و سنت

سید محمود مرویان

«انسان» محور اصلی همه مطالعات حوزه علوم انسانی است. هدف عمده مطالعات و شناختهای انسان محور و پیامدهای آن، تأمین خواسته‌ها و نیازهای زیستی، روانی و معنوی اوست.

انسان موجودی است جسمانی و با نیازهای مادی. او در زمین با محدودیتهای خاصی زندگی می‌کند. از این رو بارزترین نیاز انسان - که هر کس در اولین وهله آن را می‌یابد - نیازهای مادی است. نیازهای مادی آن نیازهایی هستند که فقدان آنها یا اختلال در آنها، بقا و سلامت مادی و ظاهری انسان را مخدوش می‌کنند؛ مانند نیاز انسان به تغذیه مناسب، پوشش، مسکن و امکانات رفاهی بایسته.

یک سنو، واقع‌نگری اسلامی را به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر، ما را به تأثیر متقابل عرصه‌های گوناگون حیات انسانی متوجه می‌سازد. بر این اساس است که تلاش مربیان، برنامه‌ریزان و مدیران اجتماعی، در مقوله تأمین نیازهای فرد و جامعه انسانی نیازمند به

رمز موفقیت هر مکتبی در این نهفته است که با همه جنبه‌نگری، واقعیات ملموس و بظاهر پیش‌افتاده زندگی را نادیده نگیرد و به هر جنبه زندگی انسان به میزان بایستگی آن بپردازد، راهکارهای لازم را ارائه دهد. اهتمام آموزه‌های دینی به نیازهای مادی از

واشکافی و کارشناسی بیشتری است و آشنایی با نگرش جامع به متون دینی و سیره عملی پیشوایان اسلامی اولویت می‌یابد.

الف) نیاز به تغذیه از دیدگاه قرآن

و حدیث

﴿... و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ...﴾

(انبیاء / ۳۰)

و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.

﴿و ما جعلناهم جسداً لایأکلون الطعام﴾

(انبیاء / ۸)

ما پیامبران را از کالبدی نساختمیم که غذا نخورند.

﴿و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً

طریاً﴾ (نحل / ۱۴)

خداست که دریا را رام ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید.

﴿... و آمددناهم بفاکهة و لحم ممّا

یشتھون﴾ (طور / ۲۲)

مردم را با میوه‌ها و گوشتهایی که دوست دارند، توان بخشیدیم (و یاری رساندیم).

رسول خدا ﷺ: «... فلولاً الخبز ما صلینا و لاصمنا و لا اذینا فرائض ربنا عزّوجل»^۱

اگر نان نبود، نه نماز می‌خواندیم و نه روزه می‌گرفتیم و نه واجبات پروردگار بزرگ خود را ادا می‌کردیم (یعنی بدون غذا نمی‌توانستیم این وظایف را انجام دهیم).

- امام صادق علیه السلام: «... واعلم یا مفضل! انّ

رأس معاش الانسان و حیاته، الخبز و الماء»^۲

ای مفضل بدان، سرچشمه زندگی و معاش آدمی، نان (مواد غذایی) و آب است.

- امام صادق علیه السلام: «اللحم من اللحم، و من ترکه اربعین يوماً ساء خلقه، فانه یزید فی السمع و البصر»^۳

گوشت از گوشت پدید می‌آید و هر کس چهل روز گوشت نخورد بد اخلاق می‌شود. گوشت بخورید که آن شنوایی و بینایی را زیاد می‌کند.

- امام صادق علیه السلام: (اللهم انّی اسألك من فضلك الواسع الفاضل المفضل، رزقاً واسعاً حلالاً طیباً بلاغاً للآخرة و الدنيا هنیئاً مریئاً...)^۴

خدایا از بخشش گسترده و فراوان تو خواستار روزی بسنده، حلال و پاکیزه‌ام که برای کار آخرتم و دنیایم به اندازه کفاف بوده و گوارا و خوشگوار باشد.

برداشتها

۱. دین در مسیر تجسم و تحقق عملی خود نیازمند افرادی استوار است تا بتواند به صورت نظامی فکری - عملی درآمده، هدفهای خود را در اجتماع تحقق بخشد و این هنگامی به دست می‌آید که فشارها و مصیبت‌های ناشی از تهیدستی نتواند آنها را از دین و پرداختن بدان باز دارد. از این روست که تغذیه کافی و متنوع برای بدن در برنامه دینی گنجانده شده و به آن سفارش گردیده است و حکومت دینی موظف به زمینه‌سازی حداقل لازم آن برای همه اقشار اجتماعی می‌باشد. بر این اساس در سیره

پیشوایان دینی آمده است:

الف - بر پشت امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا اثری دیده شد، چون از کیفیت آن از امام سجاد علیه السلام پرسیدند، فرمود: این اثر انبانهایی است که بر دوش می کشید و به خانه های بیوه زنان و یتیمان و مسکینان می رساند.^۵

ب - امام صادق علیه السلام چون پاسی از شب می گذشت، انبانی با خود بر می داشت که در آن نان و گوشت و مقداری درهم بود و آن را بر دوش خود حمل می کرد و نزد نیازمندان مدینه می رفت و آن را میان ایشان توزیع می کرد.^۶

ج - امام موسی بن جعفر علیه السلام شب هنگام به بینویان مدینه سرکشی می کرد و زنبیلی را با خود می برد که در آن پول و آرد و خرما بود و آن را به ایشان می رساند و نمی دانستند که این چیزها از کجا می آید.^۷

۲. اسلام به هیچ رو فقر و فلاکت را نمی پسندد، بلکه پیوندهای پیدا و پنهان میان معاش و معاد، و وابستگی اعمال عبادی همچون نماز، روزه، حج و... با پدیده های معاشی همچون نان، آب، تغذیه... را اعلام می کند. بنابراین سستی در مبارزه با فقر مورد پذیرش اسلام نخواهد بود.

۳. اهتمام اسلام به امر معاش و خوراک عمومی مردم و تأمین نیازمندیهای ایشان در زندگی مادی و تأکید بر پیوندناگزیری حیاتی میان تن و نان، موجب تبیین اصل حاکم بر نظام اقتصادی در اسلام می شود؛ یعنی پاسخگویی

به نیازمندیهای طبیعی و تأمین کردن چیزهایی که انسان برای ادامه دادن به زندگی خویش در سطحی مناسب به آنها محتاج است.

۴. همه امکاناتی که به وسیله آنها نیازمندیهای آدمی برطرف می شود، در طبیعت و اجتماع موجود است و همه در تقدیر و تکوین حکیمانه الهی برای رفع نیازمندیهای آدمی آماده شده است، در صورتی که از آنها به گونه ای عادلانه و هماهنگ بهره برداری شود.

۵. اسلام معاش متناسب را پل و مقدمه سلوک متعالی معادی و تکامل معنوی انسان می داند و به آن همچون جنبه ای اصیل برای سیر انسان به جانب خداوند متعال می نگرد؛ لذا معاش را در پنج محور مؤثر و مرتبط می داند:

یک - ارتباط معاش با تأمین حیات جسمی مادی از راه برانداختن ناداری (از آن جا که فرمود: «انما بنی الجسد علی الخبز»)^۸

دو - ارتباط معاش با تأمین حیات فکری (از آن جا که فرموده: «الفقر مدهشة للعقل»)^۹

سه - ارتباط معاش با تأمین حیات اعتقادی (از آن جا که فرموده: «ان الفقر منقصة للدين»)^{۱۰}

چهار - ارتباط معاش با تأمین حیات رفتارهای دینی (از آن جا که فرموده: «لولا الخبز ما صلینا...»)^{۱۱}

پنج - ارتباط معاش با تأمین حیات معنوی و باطنی (از آن جا که فرموده: «من ابتلی بالفقر، ابتلی باریع خصال... بالضعف فی یقینه»)^{۱۲}

۶. چشیدن جوهر زندگی و آثار آن به نیرو

نیاز دارد و بدون آن زندگی و بقای آن امکان پیدا نمی‌کند. با این نگرش دیگر مزه نان (و دیگر مواد غذایی ضروری) مزه لذت بردن و پر خوردن نیست، بلکه بر اساس رهنمودهای دینی (امام صادق علیه السلام: «طعم الماء الحیاة و طعم الخبز القوّة»^{۱۳}) مزه توان‌یابی، عمل، نشاط و کوشش در عرصه‌های زندگی و تکلیف است، مزه نمو و رشد و شکوفایی ذخایر فطری و عاطفی، مزه تلاش‌های انسان در مزرعه زندگی، مزه اجرای عدالت و چالش با ظلم، مزه هنر و ادب پرداختن به فضیلت‌های انسانی و ... می‌باشد.

از این رو عوامل آفریننده نیرو باید در دسترس همگان قرار گیرد و فرصت‌های رشد و ابزار کمال در انحصار عده‌ای خاص نچرخد و اسراف و تبذیر و تلف کردن اموال در یک سو و فقر و حسرتِ برخورداری از زمینه‌های نیروبخش در سوی دیگر، جامعه اسلامی را به طبقاتی شدن نکشاند.

۷. امکانات مادی در حیات معقول انسان مؤثر بوده، جایگاه ویژه‌ای دارند. در برخی آیات شکرگزاری، تقوای پیشگی و عمل صالح را از اموری مترتب بر خوردن می‌شمرد که مایه زنده

ماندن انسان و قوام تن می‌باشد؛ از جمله:

﴿يا ايها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما

رزقناکم و اشکروا لله﴾ (بقره / ۱۷۲)

﴿وکلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً و اتقوا

الله﴾ (مائده / ۸۸)

﴿يا ايها الرسول کلوا من الطيبات و اعملوا

صالحاً﴾ (مؤمنون / ۵۱)

در این گزاره‌ها به نیازمندی جسمانی آدمی اشاره می‌شود که با واقعیت تکوینی بشر نیز هماهنگ است. چه آن کس که شکر خدای خود می‌گزارد و پروا می‌دارد، ناگزیر باید زنده باشد و نیرو و نشاط لازم برای تحرک و تقوا و عمل صالح داشته باشد و آدمی تا نخورد و نیاشامد نمی‌تواند چنین باشد و خوردن و آشامیدن جز برای کسانی که امکانات مادی و مالی داشته باشند، میسر نمی‌باشد. بنابراین پرداختن مردم به عمل صالح و بقای دین در میان ایشان و رواج شریعت و حق‌باوری، جز با رفع فقر و دسترسی هماهنگ مردم به مال و امکانات، عملی نخواهد شد.

هر انسانی می‌باید به اندازه کافی در تأمین نیازهای جسمانی و بویژه تغذیه لازم، موفق باشد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند بزرگ آدمی را میان تهی (اجوف و دارای شکم) آفرید و ناگزیر خوردنی و نوشیدنی برای او لازم است.^{۱۴}

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر نظر رحمت پروردگار من بر فقراي امت نباشد (که ایشان را حفظ می‌کند). فقر نزدیک به آن است که به کفر بینجامد.^{۱۵}

ب) نیاز به پوشاک، مسکن، استراحت و زینت از دیدگاه قرآن و حدیث

اسلام دین زندگی است و به جوانب مختلف زندگی انسان با نگاهی جامع نگریسته و سفارشهایی در خور ارائه کرده است. آموزه‌های دینی نیازمندیهای ضروری مادی را پیش نیاز رشد معنوی انسان دانسته و بر تأمین بایسته، متعادل و در مسیر معنویت‌زایی آنها تأکید نموده است. در این راستا ابوابی چند از کتب حدیثی و صفحاتی چند از سیره معصومان علیهم‌السلام به این محور اختصاص یافته است؛ از آن جمله:

۱. ثقة الاسلام کلینی در کافی کتابی را با

عنوان «الزّی و التّجمل و المروءة» تألیف نموده که ۹۷ صفحه از جزء ۶ کتاب ایشان را در بر گرفته و به این مسائل پرداخته است: باب التّجمل و اظهار النعمه (ص ۴۳۸ - ۴۴۰)، باب اللباس (ص ۴۴۱ - ۴۴۴)، باب الخواتیم (ص ۴۶۸ - ۴۷۰)، باب الحلّی (ص ۴۷۵ - ۴۷۶)، باب السواد و الوسمه (ص ۴۸۲ - ۴۸۳)، باب الكحل (ص ۴۹۳ - ۴۹۵)، باب الحمام (ص ۴۹۶ - ۵۰۴) باب الطیب (ص ۵۱۰ - ۵۱۲).

۲. شیخ رضی الدین طبرسی در مکارم الاخلاق نیز به این بخش پرداخته و ابوابی را تنظیم نموده است: باب آداب التّظیف و التّطیب و التّکحل و التّدهن و السواک (ص ۴۱ - ۴۵)، باب آداب الحمام (ص ۵۷ - ۶۹)، باب الخضاب و الزینة و الخاتم (ص ۸۷ - ۱۰۸)،

باب اللباس و المسکن و آدابهما (ص ۱۰۹ - ۱۵۲).

۳. علامه مجلسی در بحار الانوار در جلد ۷۹ به این مهم پرداخته است و ابواب «التّجمل و لبس الثیاب الفاخره و النّظیفه» و «تنظیف الخدم» و «السعة فی الحال» را تنظیم نموده است.

۴. ملامحسن فیض کاشانی نیز در الوافی در جلد یازدهم مطالبی را از سیره عملی معصومان الهی تحت عنوان «ملابس و تجملات» گردآوری نموده است.

۵. شیخ حر عاملی نیز در وسائل الشیعة جلد سوم، ۷۳ باب را به این موضوعات اختصاص داده است.

۶. میرزا حسین نوری نیز در مستدرک الوسائل جلد اول ابوابی را در این باره سامان داده است.

بنابراین حیات دنیوی انسان دارای اقتضائاتی است و از این جمله لباس برای پوشش و آسایش و نیز آراستگی سیمای ظاهری و مسکن برای استراحت و تأمین آرامش نفسانی و نظافت و بهداشت برای سلامت و تزیین و آرایش برای شایستگی در ارتباط اجتماعی و عطر و بوی خوش برای لذت و معاشرت پیش‌بینی شده است.

- ﴿یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری
سوءاتکم و ریشاً﴾ (اعراف / ۲۶)

ای فرزندان آدم همانا بر شما جامه‌ای فرو

فرستادیم که زشتیهای شما را بپوشاند و هم زیبایی و زیور باشد.

﴿و جعل لكم سراويل تقيكم الحرّ و سراويل تقيكم بأسکم كذلك یتم نعمته علیکم لعلکم تسلّمون﴾ (نحل / ۸۱)

شما را جامه‌هایی داد که از گرما نگاهتان دارد و پیراهنهایی (زره‌هایی) که در جنگ‌ها نگاهتان دارد و اینچنین نعمت خود را بر شما تمامی می‌دهد تا که تسلیم او شوید.

﴿و الله جعل لكم من بیوتکم سکناً و جعل لكم من جلود الانعام بیوتاً تستخفونها یوم ضعنکم و یوم اقامتکم﴾ (نحل / ۸۰)

خداوند خانه‌های شما را جای آسایش قرار داد و چنان کرد که بتوانید از پوست چهارپایان برای خود خانه (خیمه) بسازید تا در سفر و اقامت براحتی از آنها بهره ببرید.

﴿و لقد مکّناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معاش﴾ (اعراف / ۱۰)

شما را در زمین جای و قدرت دادیم و وسایل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

﴿قل من حرّم زینة الله التي اخرج لعبادة و الطّیبات من الرزق قل هی للذین آمنوا فی الحیوة الدنیا...﴾ (اعراف / ۳۲)

بگو چه کسی آرایش را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است، بگو اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است.

- امام صادق علیه السلام: «اسحاق بن عمّار قال:

سألت ابا عبد الله علیه السلام عن الرجل یكون له عشرة اقمصة یراوح بینهما؟ قال: لا بأس.»^{۱۶}

اسحاق بن عمّار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کسی که ده پیراهن دارد و آنها را یکی پس از دیگری می‌پوشد پرسیدم. فرمود: اشکالی ندارد.

- امام صادق به روایت از امام علی علیه السلام: «لیتزیّن احدکم لاختیه المسلم کما یتزیّن للغریب الذی یحبّ ان یراه فی احسن الهیئة.»^{۱۷}

خویش را برای برادر مسلمان خود بیارید، آنچنانکه برای افراد بیگانه آرایش می‌کنید و دوست دارید که شما را با بهترین چهره ببینند.

- امام علی علیه السلام: «ما أصبح بالكوفة احد الا ناعماً، ان ادناهم منزلة لیاکل البر و یجلس فی الظل و یشرب من ماء الفرات.»^{۱۸}

همه مردم کوفه اکنون دارای وضعیت خوبی هستند، حتی پایین‌ترین افراد؛ نان گندم می‌خورد، خانه دارد و از آب آشامیدن استفاده می‌کند.

- امام صادق علیه السلام: ... قلت لابی عبد الله علیه السلام: «ان لی علی رجل دیناً و قد اراد ان یبیع داره فیضینی (فیعطینی - خ ل) فقال ابو عبد الله علیه السلام: اعیذک بالله ان تخرجه من ظل رأسه.»^{۱۹}

به امام صادق گفتم که از کسی طلبی دارم و او می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد و (پول من را) بدهد! حضرت فرمود: تو را به خدا، مبادا که او را از سرپناهِش بیرون کنی.

- امام رضا علیه السلام: «لاینبغی للرجل ان یدع

الطيب في كل يوم، فان لم يقدر عليه فيوم و يوم
لا، فان لم يقدر كل جمعة و لا يدع ذلك»^{۲۰}
شایسته نیست که انسان در همه روزها عطر
زدن را ترک کند. اگر هر روز نتوانست روز در
میان و اگر نتوانست در هر جمعه و این (اندازه)
را ترک نکند.

برداشتهها

۱. قرآن کریم انسان مسلمان را به بهره‌وری
فعال و هدفمند از طبیعت فرا می‌خواند؛ از
جمله بدین امور تشویق می‌نماید:
- بهره‌مند شدن همگان از زمین (و محل
سکونت آن) (الرحمن / ۱۰)؛
- پوشش در سرزمینهای حاصلخیز برای به
دست آوردن روزی از محصولات آن (طه /
۵۲-۵۴)؛
- سیر و سفر در اطراف و اکناف برای کسب
معیشت (جمعه / ۱۰)؛
- فراهم آوردن کالاهای ضروری برای زندگی
از مواد طبیعی (بقره / ۲۶)؛
- استفاده بهینه از آبهای گوناگون دریاها،
رودها و برف و باران (بقره / ۲۴)؛
- استخراج مواد آرایشی و زینتی از
دریاها (نحل / ۱۴)؛
- استفاده از باغهای خرم و بوستانهای پر
درخت برای انبساط خاطر و آسایش روح
(نحل / ۶۰).
۲. لباس از ضروریات زندگی است. جدای
از این که برخی پوششها واجب و برخی جنبه

اخلاقی دارد، لباس موجب آراستگی سیمای
ظاهری است و شایسته است که مؤمنان با
سیمای خوشایند در جامعه ظاهر شوند.
چگونگی کیفیت لباس مرتبط با سطح درآمد و
زندگی مردم است. اگر سطح درآمدها پایین
باشد، و ضرورت‌های اولیه تأمین نشده باشد،
لباس نیز باید در حد لازم مورد استفاده قرار گیرد
و اگر سطح درآمدها بالا باشد و مسائل اساسیتر
حل شده باشد از لباسهای فاخر و زیبا نیز
می‌توان بهره‌گرفت. به هر حال شعار «و ملبسهم
الاقتصاد» (و پوشش متقیان باید میانه و متعادل
باشد.^{۲۱}) معیار عمل است. بر طبق برخی
روایات لباس متعدد داشتن، خود رعایت نوعی

اقتصاد است و اساساً پوشش انسان در
شخصیت اجتماعی فرد مؤثر است.^{۲۲}

۳. مسأله مسکن از دیگر نیازهای اولیه آدمی
است. در یک جامعه رشد یافته همه افراد باید از
حداقل مسکن بهره‌مند باشند. در جامعه
اسلامی علوی در کوفه این حداقل با
برنامه‌ریزی و مدیریت امیرمؤمنان (علیه السلام) برای
همه فراهم شده بود. در برخی روایات نبوی،
بزرگی و آسایش منزل مورد توجه قرار گرفته و
از زمینه‌های سعادت‌آفرینی انسان مسلمان
شمرده شده است.^{۲۳} این البته در صورتی است
که مقدمه دستیابی هدفهای شایسته خانوادگی و
اجتماعی گردد. این نکته بویژه در هنگامی
اولویت می‌یابد که افرادی چند در منزل
سکونت داشته باشند که باید اتاقها و محل

استراحت و درس خواندن و خوابگاه‌های آنها جدا باشد، تا از آسیب‌های تربیتی و روانی در فضای خانوادگی پیشگیری شود. (چنان که در این مورد دستور العمل‌هایی از ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده است. ^{۲۴})

۴. بهداشت و نظافت نیز از توصیه‌های مکرر دینی است و از منظر دین، کثیفی و پلیدی نکوهیده و زشت و موجب خشم الهی است. شستشوی بدن که رکن بهداشت است در حد نسبتاً بالای آن یعنی دو روز یک بار (آن هم در سرزمینی خشک که شرایط جغرافیایی و اجتماعی رعایت بهداشت را مشکل می‌کرده است و نیز با توجه به مشکلات زندگیهای قدیم و کمبود آب و نبود وسایل استخراج آب از زیر زمین) سفارش شده است. ^{۲۵} بسیاری از احکام در اسلام در عین این که فواید و آثار معنوی و روانی دارد و سنت و سیرت شریعت شمرده شده، تأمین کننده بهداشت و نظافت فردی و اجتماعی می‌باشد؛ (از قبیل غسل و وضو و آداب آنها) آب در اسلام پاک کننده معرفی شده و پیامبر اسلام از انسان کثیف و ژولیده کراهت می‌داشتند ^{۲۶} و در برخورد با مردی ژولیده چهره و بدمنظر که لباسهای کثیف پوشیده بود، فرمودند: بهره‌برداری از مواهب (الهی) و آشکار ساختن نعمتها بخشی از دینداری است. ^{۲۷}

بر این اساس، بهداشت و نظافت فردی و اجتماعی از جمله نیازهای انسان است که در سلامت جسمانی، نشاط و شادابی روانی،

تکمیل فرایض دینی و تزریق شایستگی و تنوع سازنده به اجتماع، نقش چشمگیری دارد.

۵. تزئین و آرایش از دیگر مقوله‌های زندگی بشری است که گر چه محل بروز و ظهور آن جسم و اشیاء است، اما فلسفه احساس نیاز به آن به جان و روان آدمی بر می‌گردد. درباره سیره عملی الگوهای دینی رسیده است که ایشان در خانه لباسهای درشت و خشن می‌پوشیدند (تا مبدا به راحت‌طلبی و خوشگذرانی عادت کنند و از اندیشه مردمان ضعیف و فقیری که به ایشان دل بسته‌اند، باز مانند) و هنگامی که در جمع ظاهر می‌شدند، خود را می‌آراستند و زینت می‌کردند. آن‌گاه که چشمها، دلها و روانها با نگریستن متوجه انسان می‌شود، اگر سیمای انسان آراسته، تمیز، منظم و موزون باشد، مردم از دیدار انسان لذت می‌برند و نماد یک انسان مؤمن به کمال و تعادل رسیده، پدیدار می‌شود و دلها برای کسب معارف دینی پذیرا می‌شود و در مقابل اگر با چهره‌ای پژمرده، افسرده ژولیده و آلوده حضور پیدا کند، بی‌نشاطی و دلمردگی به همراه ارائه منفی از الگوی دینی به جامعه تزریق می‌شود. از این رو پیرایش و آراستن سیمای ظاهری حق بزرگ و نیاز همگانی اجتماع است و انسان باید در مسیر تأمین این نیاز اجتماعی بکوشد، بویژه این که آرایش مردان برای همسرانشان و بالعکس، در فزون‌پاکدامنی افراد و تحکیم مبانی خانواده و توسعه عفت و امنیت اخلاقی - اجتماعی نقش

فراموش نشدنی دارد و احساس لذت‌جویی و زیبایی‌خواهی انسان را از طریق مشروع (هر کس نسبت به همسر خویش) تأمین می‌کند.

از این روست که معصومان الهی بدین مسأله اهتمام ویژه‌ای داشتند. گاه موهای خویش را رنگ می‌کردند و آن را موجب پاداش الهی و پاکدامنی همسران می‌دانستند.^{۲۸} گاه لباسهای زیبا و جذّاب را بر رو (به تعبیر خودشان برای مردم) و لباسهای سخت و پشمینه را در زیر (برای خدا) می‌پوشیدند.^{۲۹} البته این روش ریشه در قرآن دارد؛ چه این که کتاب الهی انسان را به استفاده از زینتها و زیورها فرا خوانده و تحریم زینتهای الهی را نکوهش کرده است (اعراف / ۳۲). همچنین استفاده از عطرگلهها و بوهای خوشبوکننده در حال عبادت و در حضور خانواده و عرصه‌های اجتماعی امری لازم، تکلیفی انسانی و اخلاقی و نشانه‌ای از یک نیاز فردی و اجتماعی است؛ چه این که اساس زندگی انسان بر انس و معاشرت بنا شده و مؤمن که یک عضو فعال در پیکره اجتماعی است، باید از جاذبه‌های معنوی و مادی مناسب بهره‌گیرد و در توسعه روابط اجتماعی و پیوندهای ایمانی و تأمین عواطف پاک انسانی و ارائه یک نماد متعادل دینی بکوشد و با این نگاه است که خوش‌بویی از اخلاق پیامبران شمرده شده است.^{۳۰}

درباره سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در سفرها از عطر غفلت نمی‌کردند و

درباره امام صادق علیه السلام آورده‌اند که جایگاه ویژه ایشان در مسجد از بوی خوش و جای سجده ایشان شناخته می‌شد.^{۳۱}

ج) نیاز انسان به مال و امکانات رفاهی بایسته از دیدگاه قرآن و حدیث

دین برای ساختن انسان و پرداختن به جامعه انسانی آمده است. هنگامی که انسان آنچه را که برای زندگی و رشد خویش نیاز دارد، مالک شد و از پرداختن به برخی کارها (که لازمه پیامد فقر و مسکنت است) خودداری کرد، برایش فرصت فراهم می‌شود تا به امور مهمتر خویش بپردازد. به هدف از «شدن» خود بیندیشد و در رشد علمی و تربیتی خود و اطرافیان بکوشد، و گر نه بیشتر انسانها در دو قوس نزول و صعود فقر و رفاه زندگی، بسیاری از زمینه‌های شایسته زندگی خود را از کف می‌دهند و خصلتهای ناپسند در ذهن و ضمیر، احساس و رفتار آنها نهادینه می‌گردد. از این روست که پرداختن به مال و امکانات رفاهی لازم و راههای شایسته تأمین آنها به میزان متعال از جمله نیازهای انسانی شمرده می‌شود و توصیه‌های متنوعی به آنها شده است و بر مدیران و برنامه‌ریزان جامعه اسلامی است که راههای دستیابی به آن را برای اقشار گوناگون فراهم سازند.

- ﴿و یمدکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنّاتٍ و یجعل لکم انهاراً﴾ (نوح / ۱۲)

خداوند با اموال و فرزندان به شما کمک می‌رساند و برای شما بوستانها و جویبارها پدید می‌آورد.

- ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ (جمعه / ۱۰)

هنگامی که نماز (جمعه) گزارده شده، در زمین پراکنده شوید (و بی کار و بی تحرک ننشینید) و (روزی و نیاز خود را که) از فضل خداوند (و بخشش سرشار او به شما می‌رسد) بجویید.

- ﴿وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء / ۵)

اموال خود را که خداوند سبب برپایی زندگی شما قرار داده است، به دست سفیهان ندهید.

- ﴿وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ (فجر / ۲۰)
مال را بسیار دوست می‌دارید.
- ﴿... وَآتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...﴾ (نور / ۳۳)

به آنان (بردگانی که می‌خواهند آزاد شوند) از «مال خدا» که به شما داده است، بدهید.
- امام سجاده علیه السلام: «... وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَ لِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ وَ يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ طَلِبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَ دِرْكَ الْأَجْلِ فِي أُخْرَاهُمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يَصْلِحُ شَأْنَهُمْ...»^{۳۲}

خداوند روز را برای مردم روشن و مایه دید آفرید، تا در آن نعمت و فضل او را بطلبند و به

جستجوی روزی او با اسباب آن برآیند و در زمین او گردش کنند، به طلب آنچه در این جهان به کارشان آید برخیزند و به آنچه که در جهان دیگر بدان نیاز دارند، دسترسی پیدا کنند و خداوند با این همه (حرکت و تلاش در راه برآوردن نیاز دنیوی و کسب اجر اخروی) به اوضاع بندگان خویش سامان می‌دهد.

- امام صادق علیه السلام: «نعم العون الدنيا على الآخرة»^{۳۳}

دنیا برای آخرت خوب یابوری است.

- امام صادق علیه السلام به روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «من سعادة المسلم... و المركب الهنيء»^{۳۴}

از خوشبختی فرد مسلمان، مرکب راهوار است.

- امام رضا علیه السلام: «ان الانسان اذا اذخر طعام سنة، خفف ظهره و استراح و كان ابو جعفر علیه السلام و ابو عبد الله علیه السلام لا يشتريان عقدة حتى يحرزا طعام سنتهما»^{۳۵}

آدمی اگر خوراک یک سال را ذخیره کند، خود را سبکبار و آسوده حس می‌کند و چنین بودند امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هنگامی که امکانی به هم می‌رسید، باغی نمی‌خریدند (به منظور تأمین آتیه) مگر این که به مقدار خوراک یک سال خویش کنار می‌گذاشتند.

برداشتها

۱. اصل اولیه در روش اقتصادی اسلام آن است که مال را از آن خدا بدانیم و این خود یکی

از دستاوردهای ایمان به خدا است. تأکید مکرر قرآن به این که ﴿لله ما فی السموات و ما فی الارض﴾ (نساء / ۱۲۶) زیربنای این نگرش است و به دنبال آن توصیه می‌شود که از آنچه حلال و پاکیزه است بخورد: ﴿یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً﴾ (بقره / ۱۶۸) و پای بر جای پای شیطان نگذارد: ﴿و لا تتبعوا خطوات الشیطان﴾ و سپاسگزار نعمت باشد: ﴿و اشکروا نعمة الله﴾ (نحل / ۱۱۶) و اسراف نکند: ﴿و لا تسرفوا﴾ (انعام / ۱۶۱) و پرهیزکاری در مصرف را از یاد نبرد: ﴿فکلوا ما غنمتم حلالاً طیباً و اتقوا الله﴾ (انفال / ۶۹) و در هنگام برخورداری منش طاغوتی نشان ندهد: ﴿و لا تطغوا فیه﴾ (طه / ۸۱) و مال را در نزد خود و برای خود ذخیره نکند، بلکه پیوسته در مسیر آرمانهای مقدس انفاق کند. ﴿وانفقوا... و انفقوا﴾ (بقره / ۱۹۵، ۲۵۴)

۲. هدفمندی در مصرف مال و بهره‌گرفتن از مواهب طبیعی و نعمتهای الهی بمنظور پایداری زندگی و حرکت جامعه به سوی خیر و تکامل و آن را غایت مطلوب زندگی ندانستن از توجه‌های آموزه‌های دینی می‌باشد. خداوند ثروتمندان را از طغیان و اسراف و تجاوز از مرزهای الهی منع کرده است تا نعمتها در دسترس همگان قرار گیرد و زیاده‌طلبی و فرهنگ مصرفی برانداخته شده و به جای آن بهره‌مندی خردمندانه از امکانات آسایش و رفاه عمومی به همراه انفاق به دیگران بنشیند.

۳. امکانات خدماتی و رفاهی لازم از هر نوع و مقوله که دارای کارکرد مفیدی باشد، مطلوب است و انسان باید برای تأمین مقتصدانه آن از راههای پسندیده و معقول تلاش کند و اسراف در اصل آن مفهومی ندارد، اما میزان بایسته آن بسته به ظرفیتهای زمانی است و میان دوره‌ها و سطح درآمد عمومی مردمان هر دو تفاوت می‌کند. در کلامی امام رضا علیه السلام می‌فرماید: کوته‌فکران از دوستانم می‌پسندند که من بر نمدمنشینم و جامه زبر بر تن کنم، لیکن زمان مقتضی این زندگی نیست. ۳۶

یا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از میوه‌هایی که همه می‌خورند باید به خانواده خود بدهد. ۳۷

۴۵ یاد در جمله‌ای دیگر به سفیان ثوری می‌گوید: ای سفیان ثوری! آن (نوع لباس پوشیدن و زیستن) در زمان محرومیت و تهیدستی بود و آنان (پیشینان ما) به فراخور موقعیت تنگدستی و تهیدستی زمان خود زندگی می‌کردند، لیکن اکنون زمانی است که همه گونه نعمت فراوان شده است (و به وفور در دسترس است). ۳۸

۴. معیار سطح نیازمندی‌های رفاهی انسان، تأمین زندگی سالیانه است و در متون دینی آمده است که این سطح از توانمندی برای آدمی آسایش خاطر به ارمغان می‌آورد و با این آسایش خاطر است که تفکر و عمل منطقی زمینه‌سازی می‌شود و استعدادهای درونی آشکار شده و بازده اجتماعی ارزنده پدیدار

می‌شود.

۵. بایستگی مال تا آن جاست که محوریت

انسان نادیده گرفته نشود و همه کالاها و فراورده‌ها، وسایلی برای خدمت به انسان و در مسیر رفع نیازمندیهای آدمی به منظور تسهیل رشد همه جانبه او قرار گیرند. بر خلاف اندیشه سرمایه‌داری که محوریت بر مال است و انسان هم یک ابزار در مسیر تکاثر شمرده می‌شود، در اسلام زیاده‌خواهی در جمع مال و امکانات رفاهی؛ بدون برنامه در جهت مصرف و نیز مصرف‌گرایی آزاد، سبب هلاکت و فساد فرد و اجتماع است و آثار روانی و اجتماعی زیانباری از خود بر جای می‌گذارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بدانید که فزونی مال مایه تباهی دین و قساوت دل است.»^{۴۰}
فلسفه اقتصادی اسلامی بر «قوامی»^{۴۱} بودن مال بنا شده، و این در صورتی ممکن است که مال از انحصار عده‌ای خاص درآمده، در گردش اجتماعی خویش برکت و امید و بهره‌وری را در بین همگان توزیع نماید و موجب پایداری و استحکام زندگی گردد و گر نه مال اگر کارکرد قوامی و حیات‌آفرینی اجتماعی آن سلب شود، مطلوبیت نخواهد داشت؛ از باب نمونه قرآن هشدار می‌دهد که اموال خود را در اختیار سفیهان و کم‌خردان نگذارید.^{۴۲}

و نیز امام رضا علیه السلام حکمت حرمت ربا را نقش تبه‌گری و تضییع‌کنندگی ربا نسبت به مال و امکانات رفاهی می‌داند^{۴۳} و یا امام صادق علیه السلام حرکت تکاثری را ممنوع شمرده و

این معیار، اشاره روشنی است بر این که فقر و مسکنت دست‌کم تا این مرحله باید برطرف شود؛ یعنی همه تأمین یک ساله داشته باشند و بر مدیران و متولیان نظام اسلامی است که به سوی این معیار حرکت سامان‌یافته را طراحی نمایند. کسی که مخارج یک سال او تأمین شده باشد یا زمینه تأمین آنها فراهم باشد و در این باره از امنیت شغلی برخوردار باشد، در عرصه اجتماع عزتمندانه حضور می‌یابد و در خانواده نیز از حرمت و احساس کفایت برای مدیریت حوادث زندگی بهره‌مند است و باعث آرامش و نشاط همسر و فرزندان خویش شده و در این فضا است که زمینه‌های اجتناب‌ناپذیر بزهکاری و تخلف و زیر پا نهادن اصول اخلاقی از بین می‌رود و حرمتها، قربانی نیازهای اساسی نمی‌گردد و تضاد طبقاتی و سوءظن اجتماعی و عقده‌های حقارت در نسل‌های نو پا گسترش نمی‌یابد. این معیار تا آن جاست که شیخ حر عاملی در کتاب گرانسنگ فقهی خویش فصلی را با این عنوان آورده است:

«باب جواز اعطاء المستحق من الزکاة ما یغنیه و انه لاحد له فی الکثرة الا من یخاف منه الاسراف، فیعطی قدر کفایته لسته»^{۳۹}؛ فصل جواز پرداخت زکات به مستحق تا سرحد بی‌نیازی و این مرزی در زیادی ندارد مگر درباره کسی که بترسند که اسراف کند و در این صورت فقط به اندازه هزینه یک سال به او می‌دهند.

می‌فرمایند: مکاتره (تکاتر) ضد قوام است.^{۴۴}
بنابراین مالها و امکانات در یک جریان رو
به رشد باید از انحصار توانگران خاص خارج
شده و به گردش درآمده؛ دستاوردهای آن همه
اقتشار اجتماعی را در برگیرد.

د) نیاز انسان به تقویت قوای جسمانی از دیدگاه قرآن و حدیث

در فرهنگ اسلامی، بر خلاف بسیاری از
فرهنگهای دیگر بدن آدمی مورد تحقیر نیست.
اسلام بدن انسان را چیزی بی‌ارزش نمی‌شمرد؛
چه این که بدن ابزار تکامل روح است و تحقیر
بدن در حکم تحقیر شخصیت آدمی است و
کسی که مستوجب این عمل شود، مستوجب
کیفر است. اسلام برای صحت و سلامتی بدن
ارزش ویژه‌ای قائل است. از طرفی رابطه
تنگاتنگی بین ورزش و سلامتی وجود دارد، به
گونه‌ای که معمولاً کلمه ورزش به کلمه تربیت
بدنی عطف می‌گردد. در آموزه‌های دینی حفظ و
تقویت قوای جسمانی و توانمندیهای بدنی
امتیاز شمرده می‌شود:

- ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ
طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا مَنْ أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمَلِكُ عَلَيْنَا
وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ وَلَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ
قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ
وَالْجِسْمِ﴾ (بقره / ۲۴۷)

و پیامبرشان به آنها (قوم بنی اسرائیل) گفت:
همانا خداوند طالوت را برای زمامداری شما
انتخاب کرده است. آنها گفتند: چگونه او بر ما

حکومت داشته باشد، با این که ما از او
شایسته‌تریم و به او ثروت زیادی داده نشده
است. (آن پیامبر) پاسخ داد: خداوند او را بر
شما برگزیده و علم و (قدرت) جسم او را
رسمیت بخشیده است.

- ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ
عِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (قصص / ۱۴)
هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد،
حکمت و دانش بدو دادیم و این گونه نیکوکاران
را پاداش می‌دهیم.

- ﴿يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص / ۲۶)
(دختر شعیب خطاب به پدر گفت): پدر

جان، او (موسی) را استخدام کن؛ زیرا بهترین
کسی که می‌توانی به کار گماری، کسی است که
قوی و امین باشد.

- ﴿وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ
نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً﴾ (احزاب / ۶۹)
و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان
قوم نوح قرار داد و شما را از جهت خلقت
(جسمانی) گسترش (و قدرت) داد.

- امام سجّاد عليه السلام: «اللهم اعطني السعة في
الرزق... و الصحة في الجسم و القوة في
البدن.»^{۴۵}

خدایا گسترده‌گی در روزی و سلامتی تن و
نیرومندی بدنی عطایم نما.

- رسول الله صلى الله عليه وآله: «الاسبق الآ في فصل او
خفّ او حاضر.»^{۴۶}

هیچ مسابقه یا پول شرطبندی در مسابقه (حلال و مجاز) نیست مگر در شمشیربازی (فصل به معنای سلاحهای برنده و تیز است) و شتر سواری (و فیل سواری که با حیوانات نرم پا انجام می‌شود) و اسب دوانی (و سوارکاری که با حیوانات سُم دار انجام می‌شود).

- مَرَّ النَّبِيِّ ﷺ بِرَجْلَيْنِ كَانَا يَتَصَارِعَانِ فِلم يَنْكُرُ عَلَيْهِمَا. ۴۷

پیامبر اکرم ﷺ از کنار دو مرد که با یکدیگر کشتی می‌گرفتند، عبور نموده آنها را سرزنش نکردند. (و با این سکوت عمل آنها را مجاز شمردند).

برداشتها

۱. ورزش کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامتی جسمانی و روانی می‌کند و افرادی که با روش صحیح ورزش می‌کنند یا دارای فعالیتهای پرتحرک می‌باشند، سالمتر بوده، عمرشان از افرادی که فعالیتهای کم دارند، طولانیتر است. بنابراین ورزش نقش اساسی در سلامتی و توانمندی جسمانی انسان دارد. پیامبر گرامی اسلام درباره حق بدن بر انسان می‌فرماید:

«انَّ لِرَبِكِ عَلَيْكَ حَقًّا وَّ انَّ لَجَسَدِكَ عَلَيْكَ عَقًّا وَّ لَاهِلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا.» ۴۸

پروردگارت بر تو حقی دارد و بدنت بر تو حقی دارد و خانوادهات (نیز) بر تو حقی دارند. جالب این که در این حدیث حق بدن و اهمیت آن در کنار حق الله ذکر شده است و در مجموع کسی می‌تواند حق الهی و خانواده

خویش را بخوبی ادا کند که از بدنی سالم و نیرومند برخوردار باشد.

۲. ورزش کسالت و تنبلی را از انسان زدوده، به او نشاط و شادابی می‌بخشد قابلیت‌های پنهان آدمی را آشکار می‌سازد. اراده انسان در فعالیتهای جدی ورزشی قوی شده، در رشد عزت نفس فردی و اجتماعی انسان و کارآمدی مؤثر می‌باشد.

۳. ورزش همراه با اخلاق، روحیه شجاعت، از خود گذشتگی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت می‌نماید و او را در ارائه مثبت نقشهای اجتماعی‌اش یاری می‌رساند و تمایل تعلق به گروه انسان را در شکل مفیدی سامان می‌دهد.

۴. در انسان غریزه قدرت‌طلبی، برتری جویی و مبارزه‌گری وجود دارد. ورزشهای جمعی و مسابقات ورزشی، اگر در محیط و جو سالم برگزار شوند، زمینه اشباع سالم این غریزه را از طریق صحیح فراهم می‌سازند که اگر زمینه طبیعی و سالم بروز این غریزه فراهم نشود و در مسیر کنترل یافته‌ای مصرف نشود، مشکل‌ساز شده، موجب نابهنجاری‌ها و اختلالات اجتماعی و رفتاری می‌گردد.

۵. ورزش و فعالیتهای مداوم بدنی برای کودکان فوق‌العاده لازم و ضروری است. کودکان به طور طبیعی به ورزش، بازی و تحرک علاقه نشان می‌دهند و این در رشد جسم و جان ایشان نقش مهمی دارد. مربی دلسوز و زیرک با توجه

«راه میانه»: معیار صحیح در میزان پرداختن به نیازهای مادی

راه روشنی که دین فراراه ما قرار داده و ما را به پیمودن آن تشویق نموده، راه میانه است:

﴿و علی الله قصد السبیل﴾ (نحل / ۹)

بر خداوند است نشان دادن راه میانه.

راه میانه راه تعادلی است و موجب تعادل و تناسب فرد و اجتماع می‌گردد. انسانها از نظر فطرت و آفرینش و قوای ظاهری و باطنی و گرایشهای درونی و رفتارهای خارجی، ویژگیهایی دارند که هر یک دارای دو سویه افراط و تفریط است. آنچه بایسته انسان است، شناخت حد وسط این دو و پایبندی به آن

است. در برخی موارد این راه تعادلی مرزبندی شده است: ﴿و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتتعد ملوماً محسوراً﴾ (اسراء / ۲۹)

در انفاق مال، دست خویش را تا گردنت بسته و دربند قرار مده (و آنچه‌ان بخیل و ممسک مباش که خیری از تو نتراود) و دستانت را به تمامی مگشا (آنچه‌ان که دار و نداشت از بین برود)، تا مبادا از کار و زندگانی افتاده شوی و دیگران را به خود جلب کرده و با غم و اندوه دست به گریبان گردی.

یا قرآن درباره چگونگی بیان الفاظ در نماز می‌فرماید: «نمازت را با صدای بلند برگزار مکن و نیز آنچه‌ان آن را آهسته مخوان، بلکه میان این دو حالت افراط و تفریط جویای راهی معتدل

به نوع بازیها و ورزشهای مورد علاقه کودکان می‌تواند شخصیت حقیقی و نیز استعدادهای نهفته کودک و حساسیتهای روحی او را کشف و در برنامه‌ریزی‌های تربیتی مورد توجه قرار دهد. بازی و ورزش در کودک علاوه بر رشد جسمی به مقوله‌هایی همچون ایجاد منشهای شایسته، اجتماعی شدن، فرهنگ‌آموزی، وسعت‌نظر و آزاداندیشی و شادابی روانی منجر شود. از این رو انتخاب فضای بازی و نوع اسباب‌بازی و همچنین همراهان بازی اهمیت می‌یابند. اسلام نه تنها بازی کودک را تخطئه و محدود نمی‌کند، بلکه آن را پذیرفته، با توصیه‌هایی روشمند می‌سازد.

امام صادق علیه السلام دوره هفت ساله اول را دوره سروری، شادابی و بازی کودک می‌شمرند^{۴۹}، و امام علی علیه السلام توصیه می‌کنند که هر کس کودکی دارد، خود نیز باید کودک شود.^{۵۰} (و با او بازیهای کودکانه نماید).

۶. تربیت بدن و تقویت توانمندی‌های جسمانی در مورد زنان نیز بایسته است و سستی و کاستی در ایشان هم پذیرفته نیست. نهایت، هماهنگی با دیگر ابعاد وجودی زن و آسیب نرسیدن به آن قابلیت‌ها و رشد متعادل و هماهنگ باید مورد توجه قرار گیرد، به گونه‌ای که سلامتی، زیبایی، شادابی و ظرافت زن و امکان تلاش فعال در عرصه‌های ویژه بانوان، برایش محفوظ بماند و این همه در محیط سالم و امن فراهم شود.

جهالت و خواری و فساد را بر سر اجتماع فرو می‌ریزد.

از جمله دستاوردهای محوریت دادن به «اصل میانه‌روی» در نظامواره نیازهای مادی، ایجاد روحیه برادری در اجتماع است؛ چه افراد، در هر اجتماع چون به حقوق و نیازهای اولیه خویش دست یابند و گرفتار دامهای دنیاطلبانه نشوند، در دل خویش خشم و رشکی نخواهند یافت، بلکه نسبت به یکدیگر احساس محبت و همدلی می‌نمایند و بدین ترتیب اسباب کینه و اختلاف از بین می‌رود و نیازهای عالی وجود انسانی مطرح می‌شود و آدمی با فراغت از نیازهای اولیه، به دنبال راهبردهای تأمین نیازهای شناختی و معنوی خویش می‌رود. در مقابل اگر از طریق میانه‌روی تخلف شود، امنیت و سلامت اجتماعی مخدوش شده، پیوندهای سالم عاطفی و ارزشی میان انسانها، جای خویش را به روابط حیوانی می‌دهد؛ چنان که امام علی علیه السلام در این باره تحلیل می‌فرماید: «بأكل عزيزها ذليلها و كبيرها صغيرها، قد اخلت اهلها عن قصد السبيل.»^{۵۲}

نیرومند و صاحب مقام دنیوی، دلیل و خوار را می‌خورد و بزرگ دنیا کوچک را، در این صورت دنیا مردم خود را از سپردن راه میانه منحرف کرده است.

اسراف یکی از چهره‌های زشت در عدم تعادل نسبت به بهره‌وری نیازهای مادی است. اسراف را تجاوز از حد در هر فعلی که آدمی

همچنین در ناحیه امیدواری به خداوند متعال و رحمت سرشارش از یک سو، و بیمناک بودن از او و عذاب بی‌مانندش از سوی دیگر، به توازن و تعال بین این دو اشاره شده است، به گونه‌ای که کمترین ناهمخوانی هر یک با دیگری، تأثیری ناشایست و دامنه‌دار را در ذهن و ضمیر، جسم و جان فرد به جا می‌گذارد، و در عملکرد یا او را به یأس و افسردگی و زمینگیری و یا به طغیان و غرور و غفلت می‌کشاند.^{۵۱}

بدین سان هر جا سخن از امید به لطف الهی رفته، در کنار آن ترس از عذاب دردناک او مطرح شده است: ﴿اولئك الذين يدعون يبتغون الي ربهم الوسيله ايهم اقرب و يرجون رحمتهم و يخافون عذابه...﴾ (اسراء / ۵۷)

این پیامبران خود همان کسانی‌اند که خدا را می‌خوانند و از راه اطاعت خدا جوئیای وسیله‌ای به قرب پروردگار خویش‌اند تا معلوم گردد که چه کسانی هم به او نزدیکتر و هم به رحمتش امیدوارتر و هم از عذابش بیمناک‌اند.

بی‌توجهی به راه میانه در عرصه نیازهای مادی، آدمی را به بیراهه می‌کشاند و او را در اسارت یکی از دو آفت فزونخواهی یا فقر نابود می‌کند. تکاثر و فزونخواهی مایه‌های اخلاقی فرد را تباه می‌کند و شیفتگی به شادخواری و طغیان و مصرف‌زدگی را دامن می‌زند. فقر و بینوایی نیز شخصیت فرد را خرد می‌کند و استعدادها را می‌میراند و بتدریج آسیبهای

انجام می‌دهد، گفته‌اند.^{۵۳}

اصل حاکم بر طبیعت آدمی اعتدال و میانه‌روی است. شخص مسرف انسان نامتعادلی است که یاد در خصوصیات روانی و یا در مسائل مادی دچار تجاوز از مرزبندی طبیعی و فطری خویش گشته است و این به هر حال به تباهی و نابسامانی کلی فرد خواهد انجامید. قرآن خبر داده است که سرانجام مسرفان تباهی و نابودی است. (انبیاء / ۹) نیز فرد مسرف مبتلابه تردید و گمان^{۵۴} در حقایق اساسی خلقت و همچنین تکذیب^{۵۵} واقعیات فطری می‌شود.

بر طبق بیان قرآنی فساد از لوازم اسراف است: ﴿و لا تطيعوا امر المسرفين الذين يفسدون في الارض و لا يصلحون﴾ (شعراء / ۱۵۲-۱۵۱) خواه در مالکیت اموال و یا در مصرف آنها. پر واضح است که پس از فساد، هلاکت و نابودی به سراغ فرد مسرف می‌آید. بنابراین همان‌طور که نابودی، به دنبال حدناشناسی در مصرف پدیدار می‌شود^{۵۶}، در حدناشناسی مالکیت نیز نمایان می‌گردد.^{۵۷} از نظر روانی نیز فرد مسرف در تکاپوی جمع و مصرف اموال حقیقت خود را می‌بازد و تمنیات دنیوی همه سرمایه او را می‌سوزاند و هرگز شخص مسرف به نیازهای عالیتر وجودی خویش متوجه نمی‌گردد و بالاخره از نگاه اکرام و حمایت الهی محروم می‌شود: ﴿انه لا يحب المسرفين﴾ (انعام / ۱۴۱)

رویه دیگر انحراف از مرز تعادلی راه میانه، درّه هولناک فقر است. فقر نداشتن چیزهایی است که انسان در زندگی به آنها نیازمند است و یا کاستی امکاناتی که شکوفایی قابلیت‌های آدمی و ظهور استعدادها و به آنها بستگی دارد. تعبیرهای حدیثی درباره فقر به این تعریف اشاره دارند؛ مانند سخن علی‌علیه السلام: «الفقر الموت الاکبر»^{۵۸}، یا «القبر خیر من الفقر»^{۵۹}. فقر بستری آفت‌زاست و به عنوان تلخترین چیزها و شرّ واقعی و عامل زیاد شدن خطا و گناه معرفی شده است.

امام علی‌علیه السلام: «الفقر مع الدین، الشقاء الاکبر»^{۶۰}

فقر با بدهکاری بزرگترین بدبختی است. امام صادق‌علیه السلام: «قال لقمان... ذقت المرارات کلها، فما ذقت شیئاً امر من الفقر»^{۶۱} همه تلخیها را چشیدم و چیزی تلختر از فقر ندیدم.

امام علی‌علیه السلام به فرزندش امام حسن‌علیه السلام فرمود: «لا تلم انساناً يطلب قوته، فمن عدم قوته کثر خطایاه»^{۶۲} انسانی را که طلب روزی خود می‌کند، ملامت مکن. چه هر کس روزی خود (و خانواده خود) را نداشته باشد، خطاهایش فزون گردد.

رابطه فقر با کفر و منجر شدن فقر به سستی در باورهای دینی یا اعمال دینی که به میراندن ارزش‌ها و فضیلت‌های انسانی و معنوی می‌انجامد، بُعدی دیگر از آثار شوم و بازتابهای

منفی این بلیه اجتماعی است.

امام صادق علیه السلام به روایت از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله: «كاد الفقر ان يكون كفراً»^{۶۳}

فقر به آن نزدیک است که به کفر بینجامد.

بسیاری از آسیبهای روانی و شخصیتی که در طبقات فقیر مشاهده می‌شود، ضعف جسمی، عقده حقارت، متزلزل شدن ارکان خانواده، فساد جنسی و اخلاقی، سرخوردگی اجتماعی و احساس افسردگی و فراموش شدن بخشهایی پر استعداد و با ظرفیت از جامعه، انزوای سیاسی اقشار ضعیف و سپردن مراکز حساس به مال‌اندوزان و دنیاطلبان و... از ره‌آوردهای نگران‌کننده فقر می‌باشد.

در مقابل توصیه‌های متنوع دینی در جهت مبارزه با زمینه‌سازهای فردی و اجتماعی فقر، نشان از توجه دقیق و عمیق اسلام به این مسأله دارد. اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی و تاکید بر استراتژی مبارزه با فقر، فساد و تبعیض و تلاش در جهت برانداختن جریانهای مسرف و مترف و ترسیم اقتصاد متعادل اسلامی نه اقتصادی یکسره آزاد یا اقتصاد صرفاً دولتی و جدیت حاکمیت دینی در مسیر بازگرفتن حقوق تضییع شده مستمندان و تکلیف والیان اسلامی در هم‌نشینی با بینوایان و تحقیر مال‌اندوزان دنیامحور از روشهای اسلامی در برخورد با این پدیده می‌باشد.

نیاز به برنامه‌ریزی نتیجه طبیعی ضرورت میانه‌روی در مسیر تأمین نیازهای مادی

یکی از مهمترین تعالیم اقتصادی اسلام، اصل اندازه‌داری در زندگی و برنامه‌ریزی برای تأمین نیازهای مادی می‌باشد. تربیت معاشی و تنظیم مصرف و پرورش روح انضباط مادی و نظم اقتصادی از جمله اموری است که توصیه‌های متنوع و مکرری بدان شده است.

ستیغ بلند این تربیت سازنده و برنامه‌ریزی تأثیرگذار، استوارسازی اصل نظم و اعتدال در تأمین نیازهای مادی و مصرف است. شکل راستین اندازه‌داری در تأمین و مصرف آن است که زندگی اترافی و اسراف‌ی یا فقیرانه و ذلیلانه به زندگی قوامی و مقتصدانه تبدیل شود، تا مصرف کردن و بهره‌مند شدن از مواهب و امکانات هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی با واقعیتهای زندگی فطری انسان و با تراز «نیازسنجی واقعی» هماهنگ شود.

- «منهم امة مقتصده و كثير منهم ساء ما يعملون» (مأئده / ۶۶)

گروهی از ایشان بر راه میانه می‌روند و بسیاری از ایشان بد کار می‌کنند.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «التقدير نصف المعيشة»^{۶۴}

اندازه نگاه داشتن نیمی از معیشت است.

- امام علی علیه السلام: «قوام العیش حُسن التقدير و ملاکه حُسن التدبیر»^{۶۵}

پایداری زندگی به آن است که بخوبی اندازه نگاه داری و معیار زندگی آن است که خوب برنامه ریزی کنی.

- امام باقر علیه السلام: «الكمال كل الكمال التّفقه فى الدين و الصبر على النائبه و تقدير المعيشة.» ۶۶

کمال در درجه اعلا به تفقه در دین و صبر بر مصیبت و اندازه داری (برنامه ریزی) در معیشت است. ■

پی نوشتها

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۷۲.
۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۷.
۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۶.
۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۱.
۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.
۶. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۸.
۷. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۷.
۸. کافی، ج ۶، ص ۲۸۶.
۹. علیقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۲۳۸.
۱۰. همان.
۱۱. کافی، ج ۵، ص ۷۳.
۱۲. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۴۷.
۱۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۷۳.
۱۴. کافی، ج ۶، ص ۲۷۸.
۱۵. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۷.
۱۶. کافی، ج ۶، ص ۴۴۳.
۱۷. همان، ج ۴، ص ۴۳۹.
۱۸. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۹۹، به نقل از: حکیمی، الحیاة، ج ۵ب، ص ۱۷۴.
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۸.
۲۰. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۹.
۲۱. نهج البلاغه، خطبه متقین.
۲۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۲.
۲۳. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۸.
۲۴. مکارم الاخلاق، ص ۲۵۶.
۲۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۶.
۲۶. همان، ص ۴۳۹.
۲۷. همان.
۲۸. مکارم الاخلاق، ص ۸۹.
۲۹. الاربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۵۷، به نقل از: الحیاة، ج ۵، ص ۶۴.
۳۰. جلالی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۲.
۳۱. مکارم الاخلاق، ص ۵۵.
۳۲. ترجمه عبدالحمید آیتی، الصحیفة السجادیة، دعای ۶، ص ۵۵.
۳۳. کافی، ج ۵، ص ۷۳.
۳۴. همان، ص ۵۱۲.
۳۵. محمدرضا و محمد و علی حکیمی، الحیاة، ج ۶، ص ۱۱۶.
۳۶. عزیزالله عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶۱.
۳۷. کافی، ج ۵، ص ۵۱۲.
۳۸. الحیاة، ج ۶، ص ۱۴۸.
۳۹. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۸.
۴۰. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۴۱.
۴۱. ﴿... اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً﴾ (نساء/ ۵)
۴۲. ﴿و لا تؤتوا السفهاء اموالکم﴾ (نساء/ ۵)
۴۳. ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۹۴.
۴۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲.
۴۵. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.
۴۶. جمال الدین المکی العاملی (شهید اول)، اللمعة الدمشقیة، فصل سبق و رمایه.
۴۷. بحار الانوار
۴۸. همان، ج ۷۰، ص ۱۲۸.
۴۹. مستدرک وسایل، ج ۲، ص ۱۰۰.
۵۰. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۵۱. قال رسول الله ﷺ: «لو وزن خوف المؤمن و رجاءه لاعتدلا». طبرسي، مجمع البيان، ج ۵، ص ۱۹۹.
۵۲. تحف العقول، ص ۵۷.
۵۳. قمي، سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۱۶.
۵۴. ﴿كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب﴾ غافر/ ۳۴.
۵۵. ﴿ان الله لا يهدي من هو مسرف كذاب﴾ غافر/ ۲۸.
۵۶. امام علي عليه السلام: «من لم يحسن الاقتصاد، يهلكه الاسراف»، به نقل از: آمدی، غرر الحکم، ص ۲۷۴.
۵۷. امام علي عليه السلام: «من يستأثر من الاموال يهلك» به نقل از: تحف العقول، ص ۱۵۵.
۵۸. عبده، نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۹۲.
۵۹. كليني، كافي ج ۲ ص ۲۱.
۶۰. غرر الحکم، ص ۲۸.
۶۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۲۱.
۶۲. همان، ج ۷۲، ص ۴۷.
۶۳. ابن بابويه، خصال، ج ۱، ص ۱۲.
۶۴. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۷۳.
۶۵. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۶.
۶۶. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۱۳.

